

هدف اصلی این مقاله، بررسی ضرورت احیای کارکردهای اخلاقی آموزش عالی و دانشگاه در دوران معاصر است. عوامل مختلفی در شکل‌گیری، بروز و شکوفایی صفات و ویژگی‌های اخلاقی در افراد مؤثرند که یکی از آنها شرایط مناسب محیطی است. دانشگاه‌ها یکی از تأثیرگذارترین محیط‌ها به‌منظور نهادینه کردن اصول و ارزش‌های اخلاقی قلمداد می‌شوند. در این مقاله، با بهره‌گیری از روش تحلیلی - استنتاجی، ابتدا اهمیت آموزش عالی و سپس اخلاق در آموزش عالی و کارکردهای مختلفی که اخلاق در زمینه‌های آموزش و پژوهش و در مجموع به‌لحاظ حرفه‌ای در آموزش عالی دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس عواملی که بر تضعیف یا تحدید کارکردهای اخلاقی دانشگاه مؤثر بوده‌اند، بررسی می‌شود. در پایان، براساس این تحلیل و با عنایت به آنکه زوال یا ضعف کارکرد اخلاقی دانشگاه‌ها، موجب تغییر جهت‌گیری آنها از ارتقای معنوی و اخلاقی انسان به‌سوی تولید نیروی کار صرفاً متخصص شده است؛ نتیجه گرفته می‌شود که احیای کارکردهای اخلاقی دانشگاه که در واقع اساسی‌ترین کارکرد آن نیز هست، نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت است. ■ واژگان کلیدی:

اخلاق، آموزش عالی، دانشگاه، کارکردهای اخلاقی

تحلیل و تبیین کارکردهای اخلاقی دانشگاه در دوران معاصر

منیره رضایی

دانشیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
rezaeim@gmail.com

طرح مسئله

آموزش عالی نیروی محرکه جامعه و عامل پیشرفت و توانمندی آن است. آموزش در دوره‌های مختلف تحصیلی و از جمله در آموزش عالی به رشد شخصی و اجتماعی افراد و نیز افزایش مشارکت آنان در ساختن جامعه منجر می‌شود. حضور و فعالیت این نهاد در هر جامعه‌ای، موجب تحول در تولید و گسترش علم و فناری از یک سو و انجام پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در حوزه‌های مختلف، از طرف دیگر می‌شود. در چشم‌اندازی جامع‌تر، نظام آموزش عالی در هر کشوری، رسالت تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه، تسهیل تحقق اهداف اجتماعی و فرهنگی و ارتقای سطح فرهنگ عمومی، گسترش مرزهای دانش و تأمین نیازهای پژوهشی و فراهم کردن زمینه مساعد برای توسعه همه‌جانبه جامعه را بر عهده دارد. (مدهوشی و نیازی، ۱۳۸۹ و دودرستاد^۱، ۱۹۹۹) همه ملت‌های پیشرفته بر سه عنصر اساسی متکی هستند: کشفیات تازه، نیروی انسانی در حد بالایی آموزش‌دیده و دانش تخصصی و دانشگاه‌ها منابع مهم تأمین این سه عنصر هستند. (بیتی^۲، ۲۰۰۰) آموزش عالی مظهر رشد و توسعه اطلاعات و دانش در جوامع و تأمین‌کننده قدرت جوامع در عرصه رقابت جهانی است. این پدیده رو به رشد به دلیل اهمیت ذاتی که دارد به صورت روزافزونی توسط جوامع مورد توجه قرار گرفته و به دلیل تنوع نیازهای جوامع، کارکردهای مختلفی در زمینه‌های آموزش، پژوهش و توسعه نیروی انسانی پیدا کرده است. البته از منظری دیگر و با نگاهی درون سازمانی، می‌توان وظایف و نقش‌های اصلی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را در پنج حوزه آموزشی، پژوهشی، خدماتی، انتشاراتی و رشد حرفه‌ای برشمرد. (کورسته^۳، ۲۰۰۳) همان‌طور که ملاحظه می‌شود نظام آموزش عالی چه به لحاظ درون سازمانی و در خود این نظام، چه از نظر برون سازمانی در سطح جامعه و نظام اجتماعی فراگیرتر، کارکردهای مختلفی دارد. لیکن در سال‌های اخیر با مسائل و چالش‌هایی مواجه بوده که باعث بروز نگرانی درباره آینده آموزش عالی و نیز کارکردهای آن شده است. شرایطی از قبیل «افزایش جمعیت، نگرانی‌های زیست محیطی، ترتیبات جدید جغرافیایی، افزایش تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی، جهان‌گرایی، منطقه‌گرایی و قطب‌گرایی، حاشیه‌سازی و ایجاد چنددستگی باعث پاسخگویی متفاوت آموزشی شده است و با توجه به این مسائل،

1. Duderstadt
2. Beaty
3. Coreste

حتی اگر آموزش عالی با مشکلات اخلاقی حادی مواجه نباشد، امکان دور شدن از حوزه اخلاق محتمل است». (رحمان سرشت، ۱۳۸۰)

در این ارتباط که آیا بحث اخلاق و اخلاقیات در آموزش عالی موضوعیت دارد یا نه و آیا می‌توان برای آموزش عالی کارکردهای اخلاقی هم متصور بود؛ مناقشه‌های وجود دارد که پیش از پاسخ به این سؤال باید به آن پرداخت. برخی بر این باورند که دانشگاه صرفاً باید به قابلیت‌های علمی یا فکری بپردازد و به فضایل اخلاقی کاری نداشته باشد. به‌نظر آنان، اگر چه اشکالی ندارد که درباره اخلاقیات، بحث‌های علمی و آکادمیک صورت گیرد، اما محافل علمی نباید درباره محقق و عملی شدن این مباحث دغدغه‌ای داشته باشند. «هدف، دنبال کردن حقیقت است نه بیان یا اجرای دیدگاه‌های سیاسی یا نظرات دیگر و دانشگاه‌ها حق ندارند موضع اخلاقی بگیرند یا برداشت خاصی از خوبی را به دانشجویان توصیه کنند». (کیس و اوپان^۱، ۲۰۱۰) به این ترتیب، اگر چه ممکن است تربیت دانشگاهی، اثرات احتمالی معینی از قبیل به چالش کشیدن ارزش‌های دانشجویان یا آگاه‌تر کردن آنها از اخلاقیات داشته باشد، اما اینها نمی‌تواند هدف آنها باشد. در این حال، بعضی دیگر اعتقاد دارند که دانشگاه، یکی از تأثیرگذارترین محیط‌ها در خدمت نهادینه کردن اصول و ارزش‌های اخلاقی پیش از ورود دانش‌آموختگان به محیط‌های کاری و اجتماعی محسوب می‌شود. از سوی دیگر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی همواره از پیش‌تازان حرکت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع بوده‌اند و اعتقادات و باورهای حاکم بر آنها به‌سرعت در جامعه نفوذ می‌کند و به این ترتیب، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی یکی از تأثیرگذارترین محیط‌ها برای نهادینه کردن اصول و ارزش‌های اخلاق‌اند. (نعمتی و محسنی، ۱۳۸۹)

رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی، یکی از ارکان اساسی سعادت در زندگی مادی و معنوی بشر قلمداد می‌شود. شواهد تاریخی حاکی از آن است که عامل اخلاقی از جمله مهم‌ترین عوامل موفقیت‌ها یا ناکامی‌های جوامع بشری بوده است (نوروززاده و همکاران، ۱۳۸۹) و با توجه به همین حساسیت است که در جهان امروز که حتی قوانین بسیار متقن هم نتوانسته‌اند نقائص و کاستی‌های حاکم بر روابط اجتماعی و اقتصادی مردم را برطرف کنند، در کنار دستورالعمل‌های قانونی، آیین‌نامه‌هایی شامل تعریف کدهای اخلاقی در مورد رفتارهای درون‌گروهی و بین‌گروهی برای حرفه‌های گوناگون تدوین و

به کار گرفته شده‌اند که در پرتو موضوع کلان اخلاق توجیه‌پذیر و قابل دفاع می‌باشند. همان‌گونه که می‌توان از اخلاق در سطح کلان نظام اجتماعی یا اخلاق در سطح فردی بحث کرد، اخلاق در سطح نظام‌هایی از قبیل آموزش عالی هم موضوعیت می‌یابد چرا که اخلاق علمی، پیش شرط اصلی استقرار نظام تضمین کیفیت آموزش عالی است. تعمیم و گسترش ارزش‌های حاکم بر رفتار علمی و حرفه‌ای در همه سطوح دانشگاهی می‌تواند موجب افزایش التزام اجتماعی استادان و دانشجویان و اعتماد بیشتر جامعه به دانشگاهیان و سلامت ارتباطات علمی و فعالیت پژوهشی گردد. (علیزاده‌اقدم و دیگران، ۱۳۹۰) رعایت اصول و معیارهای اخلاق علمی و حرفه‌ای از سوی جامعه علمی در هر کشور، تحقق اهداف متعالی آموزش عالی را مقدور می‌سازد. به‌علاوه، دانشگاه‌ها همواره به‌مثابه پیش‌تازان حرکت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع ایفای نقش نموده‌اند و اعتقادات و باورهای حاکم بر آنان دیر یا زود به کل جامعه تسری یافته و عرصه‌های تازه‌ای را به‌روی مردم گشوده است. حال چگونه می‌توان این نظام‌ها که هدایت جوامع را بر عهده دارند، به دور از ارزش‌ها و کارکردهای اخلاقی تصور کرد. (نعمتی و محسنی، ۱۳۸۹) بر این اساس، پرسش یا مسئله اصلی که مطرح می‌شود این است که چرا باید کارکردهای اخلاقی در آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد و احیا شود.

پرسش‌های پژوهش

- با توجه به آنچه گفته شد پرسش‌های مورد بررسی در این مطالعه به شرح زیر هستند:
۱. اخلاق در آموزش عالی چه ابعادی دارد و در چه زمینه‌هایی می‌تواند تجلی یابد؟
 ۲. چه عواملی موجب تضعیف یا تحدید کارکردهای اخلاقی در آموزش عالی گردیده است؟
 ۳. احیای کارکردهای اخلاقی در آموزش عالی و دانشگاه چه ضرورتی دارد؟

روش پژوهش

با توجه به ماهیت نظری این پژوهش و مطابق با روال معمول در مطالعات نظری، روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیلی - استنتاجی است و مراحل بدین شرح در انجام آن طی شده است: جمع‌آوری و انتخاب منابع مرتبط، مطالعه دقیق منابع گردآوری‌شده و مورد مراجعه به‌منظور بازشناسی مباحث و دیدگاه‌های اصلی و در نهایت استخراج اطلاعات و استنتاج از آنها.

ابعاد مختلف اخلاق در آموزش عالی

یکی از ابعاد اخلاق در آموزش عالی، اخلاق آموزش است. همان طور که اشاره شد آموزش عالی مشتمل بر فعالیت‌ها و اهداف گوناگونی است که در این میان، آموزش، بارزترین فعالیت در دانشگاه محسوب می‌گردد و تدریس مؤثر، مهم‌ترین هدف مؤسسات آموزش عالی تلقی می‌شود. بی‌شک مهم‌ترین وظیفه آموزش عالی، آموزش دانش و مهارت در سطوح علمی یا پیشرفته حرفه‌ای است و بیشترین مزیت آن، تربیت افرادی برای جامعه است که دارای دانش و مهارت‌های ارزشمندی باشند. (فتوحی قزوینی و خزاعی، ۱۳۸۷) هم‌اکنون چالش‌های آموزشی بسیاری پیش‌روی دانشگاه‌ها قرار دارد که از جمله آنها می‌توان به چالش‌هایی در ارتباط با نحوه تدریس، روش‌های تدریس، کفایت تکنولوژی، رعایت عدالت و اخلاقیات در تدریس، ارزیابی و... اشاره کرد. (کواپلی^۱، ۲۰۰۹؛ به نقل از آراسته و دیگران، ۱۳۸۹) در میان جنبه‌های مختلف اخلاق در آموزش عالی، اخلاق آموزشی یکی از موضوعات مهم در این حوزه است که رعایت آن تضمین‌کننده سلامت فرآیند یاددهی - یادگیری در دانشگاه است و موجب افزایش تعهد پاسخگویی مدرسان نسبت به نیازهای علمی و آموزشی دانشجویان می‌شود. (ایمانی پور، ۱۳۹۱) همچنین رعایت اخلاق آموزشی، باعث افزایش بازدهی آموزشی در دانشگاه و رشد و بالندگی آن می‌گردد و در نتیجه افزایش بهره‌وری و جلوگیری از هدر رفتن هزینه‌های دانشگاه را در پی خواهد داشت.

جنبه دیگر از اخلاق در آموزش عالی، اخلاق پژوهش است که یکی از مباحث مهم اخلاق کاربردی تلقی می‌شود و به معنای بررسی امکان و شرایط رعایت قواعد و اصول اخلاقی در پژوهش‌های نظری و علمی است. (خداپرست و دیگران، ۱۳۸۶) از آنجا که روش‌ها و نیز نتایج حاصل از پژوهش‌ها و به‌ویژه پژوهش‌های کاربردی با سرنوشت و زندگی انسان‌ها سروکار دارد، بحث از اخلاق پژوهش، اهمیت و موضوعیت پیدا می‌کند. از این‌رو، باور غالب و فراگیر این است که «علی‌رغم اهمیتی که بر امر پژوهش مترتب می‌باشد در صورتی که درست هدایت نشود و در مسیر توسعه معنوی و اخلاقی قرار نگیرد، به عاملی مخرب تبدیل می‌شود». (تابعی و محمودیان، ۱۳۸۶؛ بحرینی، ۱۳۸۹؛ خالقی، ۱۳۸۷؛ به نقل از مطلبی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۱) پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا مسئولیت سازمان‌های پژوهشی و نیز خود پژوهشگران، صرفاً به پژوهش و

کشف مجهولات محدود می‌شود یا در کنار آن، مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها هم وجود دارد که سازمان‌های مزبور و پژوهشگران، ملزم و متعهد به رعایت آنها هستند؟ (قدردان قراملکی، ۱۳۸۹)

ضرورت مراعات اخلاق در امر پژوهش بدان سبب است که اگر اخلاق بر پژوهش‌ها حاکم نباشد، آسیب‌های فراوان مادی و روانی به انسان و جامعه وارد می‌شود. پژوهش، ارتباط وثیقی با سرنوشت جوامع و منافع فردی و گروهی انسان دارد و از آنجا که گاهی سرنوشت فردی و گروهی انسان‌ها به شیوه یا نتایج پژوهش وابسته می‌گردد، بحث اخلاق در پژوهش اهمیت خود را نشان می‌دهد. (بحرینی، ۱۳۸۹) تحقیق و پژوهش به همان‌سان که می‌تواند مسیر رشد و ارتقای علمی را هموار سازد و انسان را به کمال برساند؛ چنانچه در مسیر نادرست قرار بگیرد، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر جای خواهد گذاشت. آلودگی‌های زیست محیطی، افزایش بیماری‌های قابل انتقال، تهدید اساس موجودیت نوع بشر به‌وسیله سلاح‌های کشتار جمعی از جمله این آسیب‌ها هستند. بر این اساس، ضرورت رعایت اخلاق پژوهش بیش از پیش و بیش از سایر فعالیت‌ها، آشکار می‌شود تا پژوهشگر، از هجوم صفات و رذایل منفی اخلاقی فاصله گرفته و خود را از آسیب‌ها و آفت‌های فعالیت علمی و پژوهشی برهاند. (امین‌خندقی و پاک‌مهر، ۱۳۹۱)

در واقع یکی از موضوعاتی که بر اهمیت اخلاق پژوهشی می‌افزاید پدیده جهانی شدن و رشد فزاینده علم و فناوری است. از آنجا که در دنیای امروز، ارتقای مداوم کیفیت علم و آموزش عالی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین چالش‌های جهانی مستلزم توسعه فعالیت‌های پژوهشی است، به‌تبع گسترش این فعالیت‌ها، توجه به ضروریات اخلاقی پژوهش، امری ضروری به‌نظر می‌رسد.

به‌ویژه اینکه تحقیقات نسبت به گذشته پیچیده‌تر و مشکل‌تر شده و پیروی از مجموعه‌ای اصول و قواعد را در فرآیند پژوهش ضروری نموده است، لذا افزایش تمرکز بر اخلاقیات در برنامه‌ها و پروژه‌های علمی اهمیتی دوچندان یافته است. در حال حاضر و در وهله نخست، از افراد و مؤسسات علمی انتظار می‌رود که نسبت به اقدامات خود مسئولیت‌پذیرتر باشند. به‌علاوه، وجود رقابت بسیار شدید بین دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی ممکن است شرایط را برای بروز رفتارهای پژوهشی غیراخلاقی مهیا کند. زیرا نوشتن مقالات افزون‌تر و انجام تحقیقات بیشتر در بسیاری موارد به‌عنوان امتیاز تلقی می‌شود و عاملی است که از طریق آن افراد به موقعیت بهتری در زمینه تخصصی

خود دست می‌یابند و این شتاب برای دستیابی به موقعیت بهتر، باعث برخی رفتارهای غیراخلاقی می‌شود. (مطلبی فرد و دیگران، ۱۳۹۱) بنابراین، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نیازمند آشنایی و پایبندی به تعهدات اخلاقی در زمینه تحقیق‌اند، نتایج تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که شمار اندکی از افراد، از مسائل غیراخلاقی احتمالی در پژوهش مثل سرقت علمی و مسائل مربوط به آزمودنی‌ها و گردآوری داده‌ها، اطلاع دارند. (آرتینو و براون^۱، ۲۰۰۹) این نکته درخور توجه است که بحث اخلاق پژوهش، از قوانین و مقررات مدون و متداول فراتر رفته و مشتمل بر تمامی مراحل و فرایندهای پژوهش از شروع تا انتشار داده‌ها می‌شود و مسائلی را در بر می‌گیرد که فراتر از حمایت از آزمودنی‌های انسانی یا مسائل مشابه آن است.

مطلبی فرد و همکاران (۱۳۹۱) با نگاهی بومی به مسائل پژوهشی، آسیب‌های اخلاقی در حوزه پژوهشی جامعه خود ما را ناشی از دو واقعیت عمده می‌دانند. واقعیت اول از نظر آنها این است که اخلاق فردی و حرفه‌ای افراد ناشی از فرهنگ و فضای حاکم بر جامعه کلی و دانشگاهی می‌باشد و آسیب‌های اخلاقی بسیاری که دامن تحقیقات جامعه را گرفته است نشانگر آن است که جامعه دانشگاهی به‌طور خاص و جامعه به‌طور عام از مشکلات اخلاقی رنج می‌برد. ایشان مسائلی از قبیل تأکید بر کمیت و مغفول ماندن کیفیت، عدم وجود نظارت بر فضای پژوهشی و دانشگاهی کشور را باعث دامن زدن به مسائل اخلاقی برشمردند. واقعیت دیگر ارزشمند نبودن پژوهش و علم در جامعه است. «وقتی در جامعه‌ای پژوهش ارزش محسوب نشود و تحقیقات انجام‌شده بدون هیچ استفاده‌ای راکد بماند، ناخواسته انگیزه بی‌اخلاقی در پژوهشگران تقویت می‌گردد. چون هیچ پاسخگویی وجود ندارد و این دو عامل در مجموع باعث بروز بی‌اخلاقی در پژوهش می‌گردد». بر این اساس و با ملاحظه آنچه گفته شد توجه به پژوهش به‌منظور افزایش سطح علمی مراکز آموزشی از یک طرف و ارتقای مداوم آموزش عالی از سوی دیگر، ایجاب می‌کند که روحیه پژوهشگری در آموزش عالی توسعه یابد و این امر، خود نیازمند تقویت اخلاقیات پژوهشی در این نظام را ضروری می‌سازد.

وجه دیگری از اخلاق در آموزش عالی، اخلاق حرفه‌ای است که در واقع می‌توان آن را ترکیبی از دو جنبه اخلاق در آموزش و اخلاق در پژوهش به‌شمار آورد. اخلاق حرفه‌ای مجموعه‌ای از اصول و استانداردهای سلوک بشری است که رفتار افراد و گروه‌ها در یک

ساختار حرفه‌ای را تعیین می‌کند و مفهوم آن از علم اخلاق اتخاذ شده است. (ایمانی‌پور، ۱۳۹۱) اخلاق حرفه‌ای به مسائل و پرسش‌های اخلاقی و نیز اصول و ارزش‌های اخلاقی یک نظام حرفه‌ای می‌پردازد و ناظر بر افعال ارادی حرفه‌ای‌ها در حیطه فعالیت‌های حرفه‌ای خودشان است. (فراستخواه، ۱۳۸۵) پرداختن به اخلاق حرفه‌ای در میان دانشگاهیان، امری شایسته و درخور توجه است چرا که محیط‌های آموزشی و بالاخص دانشگاه‌ها وظیفه‌ای خطیر در جهت تربیت افراد و رشد و توسعه جامعه ایفا می‌کنند. ضرورت رعایت اخلاق حرفه‌ای هیئت علمی به دلیل تأثیرگذاری شگرف آنها بر روی دانشجویان که اداره امور کشور را در ابعاد مختلف به‌دست خواهند گرفت، مضاعف است. (فرمهبینی و بهنام‌جام، ۱۳۹۱) آنها محیط اطراف خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند و از این‌رو لازم است به سواد اخلاقی مجهز و به فضایل اخلاقی آراسته باشند. این امر مستلزم تغییر نگرش و افزایش دانش در مورد اخلاق حرفه‌ای و مهارت مواجهه روشمند و اثربخش با معضلات اخلاقی است. از آنجا که دوره آموزش عالی، دوره‌ای است که در آن، علاوه بر آموزش علوم و مهارت‌ها، اصول و شیوه کاربست اخلاق حرفه‌ای نیز باید فرا گرفته شود؛ لذا اساتید دانشگاه در عین حال که مسئول انتقال صحیح مفاهیم علمی هستند، باید الگویی عملی و انسانی از ارزش‌های اخلاقی در محیط‌های کاری باشند. (بوذرجمهری و دیگران، ۱۳۹۲) به‌عبارت دیگر، آموزش عالی از دو منظر انتقال دانش و مهارت و القای اخلاق حرفه‌ای باید مورد توجه قرار گیرد. به‌منظور انتقال مفاهیم علمی، شاخص‌های تدریس مؤثر با مؤلفه‌های اکتسابی مورد نیاز است در حالی که اساتید دانشگاه برای القای اخلاق حرفه‌ای علاوه بر دانش باید عامل به حسنات اخلاقی باشند

عوامل مؤثر بر تضعیف یا تحدید کارکرد اخلاقی آموزش عالی

پرسشی که اینک پس از طرح همه این مباحث به ظاهر بدیهی مطرح است و ضرورت دارد بیش از گذشته و با حساسیتی روزافزون، ذهن دانشگاهیان به‌طور خاص و افکار عمومی جامعه به‌شکل عام را به خود مشغول دارد این است که چرا امروز پرداختن به موضوع کارکرد اخلاقی دانشگاه بیش از گذشته اهمیت حیاتی و سرنوشت‌ساز دارد و چرا باید در پی احیاء کارکرد اخلاقی آموزش عالی بود؟ البته در پس طرح این پرسش، مباحث اساسی‌تری قرار دارد از جمله اینکه مقصود از تربیت دانشگاهی در این زمان چیست و آیا باید درباره نقش دانشگاه دوباره اندیشید. ادعاهایی که در این رابطه مطرح شده

این است که تربیت دانشگاهی انسانیت ما را پرورش می‌دهد، افراد را متحول می‌سازد و به آنها این امکان را می‌دهد که تسلط بیشتری بر زندگی خود داشته باشند، افراد را برای رهبری آماده می‌سازد، چشم‌اندازهای شغلی را توسعه می‌بخشد؛ موجب رفاه بیشتر می‌شود و پژوهش‌اندیشمندان را ارتقاء می‌بخشد. (کیس و اوبان، ۲۰۱۰) آنچه درخور توجه است اینکه همه اینها، یک بعد اخلاقی دارند.

مع‌هذا برای پاسخ به این پرسش، نخست باید وضعیت دانشگاه و آموزش عالی را که تحت تأثیر عوامل متعددی تغییر کرده است بررسی نمود. باید توجه داشت که دنیای معاصر جایی نیست که در آن دانشگاه آزاد باشد تا به تنهایی و منفک از فشارهای اجتماعی و جهانی عمل کند و لذا درک این موضوع ضرورت دارد که چگونه این فشارها بر روی دانشگاه امروز عمل می‌کند. امروز در دورانی زیست می‌کنیم که از جمله ویژگی‌های آن علم‌گرایی، تخصص‌گرایی، جزئی‌نگری، فردگرایی، سرعت‌گرایی، رقابت‌گرایی و در نهایت ماده‌گرایی است و لذاتی که در کار کشش امیال آدمیان است، بیشتر لذات مادی است تا لذات معنوی. (صفایی‌مقدم، ۱۳۸۹) جهان در حالی به قرن بیست‌ویکم وارد شده است که با آزمون‌های خطیری از تجربه، فراصنعت و پساتجدد و دگرگونی‌های ساختاری ژرف و پرشتاب مواجه است. انفجار اطلاعات، انقلاب الکترونیک، تحولات مفهومی در نظام‌های قدرت و ثروت و تغییرات بنیادی فرهنگی، جوامع انسانی را در معرض تحول سریعی قرار داده است. (فراستخواه، ۱۳۷۷) همچنین زیست دانشگاه در دوران مدرن ویژگی‌هایی را برای آموزش عالی به‌ارمغان آورده است. صفارحیدری (۱۳۸۹) در این‌باره اظهار می‌دارد که گرچه از لحاظ تاریخی دانشگاه‌ها محصول دوران مدرن نیستند، اما دانشگاه‌های مدرن و پیشرفته در فضای لیبرالی و سرمایه‌داری رشد کرده‌اند. رواج تدریجی ایدئولوژی سرمایه‌داری و تبدیل دانشگاه به ابزاری برای برآوردن نیازهایی رو به رشد اقتصادی، فنی، سیاسی و نظامی دنیای جدید، زمینه را برای زوال تدریجی در کارکردهای اخلاقی دانشگاه‌ها فراهم ساخته است.

از زمانی که دانشگاه‌ها به‌وسیله نظام سرمایه‌داری جهانی مستعمره شده‌اند، هر گونه اخلاقیات ممتازی را از دست داده‌اند و حالا ارزش‌های سرمایه‌داری جهانی را به‌نمایش می‌گذارند و منعکس می‌کنند. ارزش‌های سرمایه‌داری، کالاهای غیراخلاقی‌اند و نسبیّت جهان معاصر را منعکس می‌کنند حال آنکه کالای اخلاقی تغییر نمی‌کند یا به عبارت بهتر غیرقابل تغییر است. (کیس و اوبان، ۲۰۱۰) اساساً، ارزش اخلاقی غیرقابل تغییر

دل‌نگرانی برای دیگری در روابط، با ارزش‌های فرهنگی سرمایه‌داری جهانی جایگزین شده است. دانشگاه‌ها مفهوم آرمانی یا حتی سنتی خود را که دانشگاه در خدمت انسان و انسانیت است از دست داده‌اند و به بخشی از آموزش و پرورش تکمیلی و آن نوع یادگیری مادام‌العمر که صرفاً در خدمت نظام اقتصادی جهانی است تبدیل شده‌اند و بیش از هر چیز در خدمت پرورش نیروی کار متخصص برای تولید و کسب سود بیشتر هستند. (صفارحیدری، ۱۳۸۹) به این ترتیب، بازاری‌شدن دانشگاه‌ها، یکی دیگر از تبعاتی است که متوجه آموزش عالی می‌باشد.

بدیهی است که بازاری‌شدن دانشگاه‌ها، یکی از عواملی است که فاصله گرفتن آموزش عالی از کارکردهای اخلاقی آن را سرعت بخشیده و تشدید می‌کند. به نظر هارکوی^۱ (۲۰۰۶) یکی از اثرات مخرب بازاری‌کردن دانشگاه‌ها، کاهش روح آرمان‌گرایی و ارزشی دانشجویان است. به نظر او وقتی دانشجویان نظاره‌گر روندی هستند که در آن، دانشگاه‌ها به جای ترویج علم و دانش و گسترش پژوهش‌های آکادمیک با آغوش باز و اشتیاق شدید نقش شرکت‌های کارآفرین غافل از اصول و ارزش‌های اخلاقی را بازی می‌کنند، دیر یا زود به این نتیجه خواهند رسید که دانشگاه تنها محلی برای کسب دانش و مهارت‌های حرفه‌ای به قصد سود بردن است و نه پرورش آرمان‌های انسانی و اخلاقی. (صفارحیدری، ۱۳۸۹)

بنابراین، همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ارزش‌های حاکم بر آموزش عالی، ارزش‌های نظام سرمایه‌داری هستند که می‌توان آنها را به‌عنوان عقلانیت ابزاری خلاصه کرد. بدیهی است که هدف نهایی عقلانیت ابزاری نه اعتلا بخشیدن به انسانیت، بلکه منتفع ساختن کسانی است که کنترل نظام جهانی را در دست دارند. در این فضا، افراد انسانی به‌جای اینکه هدف باشند تبدیل به ابزار می‌شوند، اهمیت روابط بین فردی نادیده گرفته می‌شود و تأکید بر فردگرایی، بدون ملاحظه دیگری و نوع بشر است. مسئولیت یادگرفتن به‌عهده یادگیرنده گذاشته می‌شود و مسئولیت یاردهنده به‌جای کیفیت اخلاقی، فرآیند انتقال، تولید مواد علمی یاددهی و یادگیری و تضمین کیفیت مطالب تدریس است. (جارویس^۲، ۲۰۰۹) وان منن^۳، با نگاهی به این قضیه از زاویه‌ای دیگر بیان می‌کند که طرف حساس زندگی در تدریس اغلب به‌طور نامعقولی مورد غفلت واقع می‌گردد. از دیدگاه وی اسانس

1. Harkavy
2. Jarvis
3. Van Mannen

و خمیرمایه آموزش و پرورش بیشتر یک فعالیت هنجاری است که به‌طور پیوسته از مربی انتظار دارد به شیوه‌ای صحیح، خوب و یا مناسب عمل کند تا یک بنگاه تکنیکی و یا تولیدی. (عزیزی، ۱۳۸۹) در چنین فضایی، بخش زیادی از رشد حرفه‌ای و به‌روز کردن مهارت‌ها نه برای این است که کسی می‌خواهد یاد بگیرد بلکه به‌سبب آن است که افراد مجبورند یاد بگیرند و در این رابطه الزام دارند. در نتیجه یادگیری از یک فرآیند درونی در مسیر انسانیت، به فرآیند کارکردن برای دریافت یک گواهینامه تخصصی تقلیل پیدا کرده است.

صفایی‌مقدم (۱۳۸۹) با اشاره به کتاب پروفیسور لوئیس با عنوان «فضیلت بی‌روح: چگونه یک دانشگاه بزرگ از آموزش و پرورش غفلت کرد» توضیح می‌دهد که وی در آن کتاب، دانشگاه هاروارد و البته به‌طریق اولی دیگر دانشگاه‌ها و بلکه نظام آموزش عالی آمریکا را متهم می‌کند که آموزش و پرورش را از درون تهی کرده است. لوئیس در این کتاب ادعا می‌کند که برنامه‌های آموزشی دانشگاه با جزئی‌نگری مفرط باعث می‌شود که دانشجویان درباره آنچه باید یاد بگیرند و اینکه چرا باید آنها را یاد بگیرند بصیرت نداشته باشند. از نظر او در نظام آموزش عالی موجود، استادان هر کدام در یک رشته بسیار باریک متخصص شده‌اند و همه مسئولیت خود را صرفاً در آموزش و پژوهش می‌بینند و نه ارائه آموزش و پرورشی که بار اخلاقی و عقلانی هم داشته باشد. او می‌گوید که در طول سی‌سال خدمت خود ندیده است که استادان دانشگاه در این‌باره بحث کنند که چگونه می‌توان دانشجویان را تبدیل به انسان‌های بهتری نمود. برای لوئیس نیز اصلاح این وضع در گرو نوعی معنویت‌گرایی است و اینکه استادان مبنای رفتار خود را بهبود رابطه خویش با دانشجویان و ایجاد یک رابطه همدلانه با آنها و همچنین پاکدامنی شخصی قرار داده و معیار مطلوبیت را صرفاً در توانایی پژوهشگری خلاصه نکنند.

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که تغییرات و تحولات عظیم جهان در دوران معاصر، بحران‌های بزرگ و عمیقی را در کارکردهای اخلاقی آموزش عالی به‌وجود آورده است. تغییر نابه‌جای مأموریت دانشگاه‌ها از تأمین و استقرار عدالت اجتماعی به توجیه و مشروعیت‌بخشی به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و نیز تعمیق نظام سلسله‌مراتبی و رواج سلطه در جامعه از جمله بحران‌هایی است که در کارکردهای اخلاقی دانشگاه رخ نموده است. (صفارحیدری، ۱۳۸۹) به‌نظر دالتون و کراسبی^۱ (۲۰۱۰) در خلال نیم قرن

1. Dalton & Crosby

گذشته، بر اثر تسلط فزاینده سکولاریسم، عینیت‌گرایی علمی، فاصله میان زندگی معنوی دانشجویان با معیارها و ترجیحات علمی و دانشگاهی، جدایی روزافزون بین وظایف آموزشی دانشجویان و وظایف اخلاقی آنان در قبال دیگران و خدمات عام‌المنفعه‌ای که باید انجام داد؛ نقش دانشگاه‌ها در پرورش شخصیت اخلاقی و رشد معنوی دانشجویان به تدریج کم و کمتر شده است. به این ترتیب، کارکرد غیر اخلاقی دانشگاه‌ها را می‌توان در همین نقشی یافت که در تهی کردن انسان از خویشتن خویش و تبدیل او به یک متخصص و یا یک کارشناس ایفاء می‌کنند. به عبارت دیگر، همین نادیده گرفتن بعد معنوی و اخلاقی انسان است که به تضعیف و کمرنگ شدن کارکرد اخلاقی دانشگاه‌ها سرعت و شدت می‌بخشد و به نظر می‌رسد که با گسترش روزافزون سرمایه‌داری و جهت‌گیری بازاری این وضعیت تشدید می‌شود و دانشگاه‌ها دیگر قادر به ایفای نقش‌های اخلاقی خود نیستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هر چند ملاحظات تعلیمات اخلاقی، موضوعاتی بسیار کهن و پرسابقه‌اند و لیکن در شرایط امروزی جوامع بشری، به مسائلی حاد و اضطراری تبدیل گشته‌اند که به لحاظ ارتباط و تقابل با مسائل و عناصر نوین علمی و فنی ممکن است تازه و نو تلقی گردند و نیازمند مطالعات و تتبعات نوین باشند. (علیزاده‌اقدم و دیگران، ۱۳۹۰) پیامدهای ناشی از پدیده جهانی شدن از قبیل پیشرفت‌های فناوریانه و علمی، دگرگونی‌های دنیای کار و اشتغال، نابرابری‌های اجتماعی، توسعه دمکراسی و حقوق بشر، افزایش ارتباطات بین‌فرهنگی؛ تجدیدنظر در ارزش‌های معنوی و اخلاقی و احیای آن در سطح جامعه و به‌ویژه در آموزش عالی را ضرورتی دوچندان بخشیده است. در دهه اخیر ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع دستخوش دگرگونی‌های بارز و آشکاری شده است و نظام‌های آموزش عالی در این جوامع از جمله نظام‌هایی بوده‌اند که شدیداً در معرض این دگرگونی‌ها بوده و لذا تجدیدنظر در ارزش‌های معنوی و اخلاقی از حوزه‌های درخور توجه در این نظام‌ها هستند. (بیتی، ۲۰۰۰) بر این اساس، تأکید و بازاندیشی پیرامون ارزش‌های معنوی و اخلاقی در آموزش عالی امری بسیار اساسی است.

در حال حاضر پرسش اساسی این است که وظیفه اخلاقی دانشگاه چیست و دانشگاه‌های امروزی در خدمت تحقق کدام ارزش‌های اخلاقی هستند؟ آیا اگر مسئله اخلاق را نه موضوعی فردی بلکه اجتماعی بدانیم، می‌توان انتظار داشت که در عصر

سیطره جهت‌گیری سوداگرانه و فردگرایانه، دانشگاه‌ها بتوانند رسالت اخلاقی خود را ایفا کنند؟ طرح پرسش‌هایی از این نوع از آن‌رو با اهمیت است که می‌تواند به تأمل در کارکردهای اخلاقی کنونی دانشگاه‌های بینجامد.

آموزش اخلاقی از ضرورت‌های بسیار مهم و مورد نیاز در دانشگاه‌هاست که نیاز به تأکید و توجه اساسی دارد. در نگاهی دوباره به کارکردهای اخلاقی آموزش عالی و ضرورت احیاء آن باید توجه داشت که آموزش عالی، کارگزاران و مخاطبانی دارد که اخلاق و افعال آنها در منافع یا مضار دیگران و همچنین در رشد یا زوال شخصیت خود آنان تأثیر می‌گذارد. (فراس‌خواه، ۱۳۸۵) منظور از کارکردهای اخلاقی، تحقق همه شرایطی است که از یک سو به عدالت اجتماعی می‌انجامد و از سوی دیگر به رشد و تعالی معنوی و اخلاقی انسانی یاری می‌رسانند. (صفارحیدری، ۱۳۸۹) از این‌روست که دانشگاه‌ها می‌باید خودشان را به تربیت اخلاقی به‌عنوان یکی از وظایف اصلی خویش متعهد کنند و بازتعریف تربیت اخلاقی و کارکرد نظام آموزش عالی از این منظر، ضرورت و موضوعیت پیدا می‌کند.

در اینجا تربیت اخلاقی می‌تواند در معنایی گسترده در نظر گرفته شود و مقصود از آن درک چیسستی تفکر اخلاقی؛ آموختن چگونگی اخلاقی بودن؛ دنبال کردن اخلاقیات سنتی؛ پرورش دادن اصول اخلاقی شخصی؛ انجام قضاوت‌های اخلاقی خوب باشد. بر این‌اساس، مقصود از تربیت اخلاقی به‌عنوان یکی از کارکردها یا مهم‌ترین کارکرد دانشگاه، آموزش اخلاقیات نیست بلکه شکل دادن به شخصیت اخلاقی مخاطبان آموزش عالی است که همه موارد مذکور را شامل می‌شود. همان‌گونه که قبلاً هم گفته شد اگر چه عمده مأموریت کنونی مراکز آموزش عالی، تربیت متخصصان و نیروی کار ماهر برای مراکز اقتصادی و صنعتی است و اگرچه در ضمن همین مأموریت، بر جنبه‌های اخلاقی نیز تأکید می‌شود اما باید توجه داشت که مقصود از اخلاق در بافت آموزش عالی، برخورداری از همه ویژگی‌هایی است که کار کردن فرد با دیگران را ممکن سازد. اساساً تنها منطبق برای اخلاقیات، وجود و حضور دیگری است. در قلب روابط اخلاقی، همواره دغدغه دیگری وجود دارد اما این دغدغه به هیچ‌وجه نمی‌تواند اجباری باشد چرا که بر آزادی، استقلال و اصالت دیگری اثر می‌گذارد. داشتن چنین دغدغه‌ای به این معناست که ما همواره به بهترین وجه به‌نفع دیگری عمل کنیم بدون اینکه در پی آن باشیم که خواسته خود را بر وی تحمیل کنیم. (کیس و اوبان، ۲۰۱۰) دانشگاه، مشتمل بر جمعی

از دانش پژوهان است که در پی یاد دادن، یاد گرفتن و پژوهش در یک رابطه خوب اخلاقی هستند یا باید که چنین باشند. دانشگاه‌ها اجتماعاتی هستند که بر آنها فرض است مبتنی بر نظریه اخلاقی روابط اجتماعی باشند.

از همین منظر، دانشگاه، نهاد اصلی یک جامعه و در نتیجه ابزار عمده پیشرفت اجتماعی است. توجیه هزینه‌های معتنا به دولتی و خصوصی سرمایه‌گذاری شده روی آموزش عالی تا حد زیادی باید پاسخگوی اثربخشی آن در ارتقا پیشرفت اجتماعی باشد. (بیتی، ۲۰۰۰) لذا، دانشگاه‌ها باید به مسائل مهم اجتماعی جامعه خودشان بپردازند. بسیاری از این مسائل مستلزم چیزی بیش از راه‌حل‌های فناناوانه است. ما مسائل فوری‌تر و اضطراری‌تر ملت‌مان را تنها از طریق پیوند فردگرایی و رقابت‌جویی با مجموعه‌ای از کیفیت‌های از یک نوع بسیار متفاوت حل می‌کنیم - کیفیت‌هایی با ماهیت کمک‌کننده و یاری‌بخش و همگانی که ریشه در احساس مسئولیت قوی نسبت به سازمان‌ها، جوامع و افراد دیگر دارد. برای حل این مسائل ملی ما نیاز به شهروندانی داریم که احساس نیرومندی از مسئولیت اخلاقی و شهروندی را به اشتراک بگذارند. (کیس و اوبان، ۲۰۱۰) همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اخلاق در آموزش عالی می‌تواند از دو بعد اساسی اخلاق درون سازمانی یا فردی و برون سازمانی یا اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. جنبه اجتماعی اخلاق در آموزش عالی وزن و اهمیت بیشتری می‌یابد چرا که پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای و تدارک زمینه مساعد به‌منظور توسعه و ترویج آن، بیشتر در یک بستر مناسب اجتماعی معنا و واقعیت پیدا می‌کند. (نعمتی و محسنی، ۱۳۸۹) اخلاق در آموزش عالی تنها به درون مرزهای سازمانی دانشگاه محدود نمی‌شود و طیف گسترده‌تری از رفتارها و عملکردهای دانشگاه در ارتباط با محیط پیرامون را در بر می‌گیرد. به‌طور مثال فقدان مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نسبت به مسائل مبتلا به جامعه و کیفیت نازل و عدم انطباق خروجی‌های دانشگاه با نیازها و انتظارات جامعه را می‌توان نقض اصول و موازین اخلاقی توسط دانشگاه در نظر گرفت. براساس منطق اخلاقیات که قبلاً به آن اشاره شد و نگاه برون سازمانی به اخلاق در آموزش عالی، آموزش فراگیران نباید به عملکرد شناختی آنها در آموزش عالی محدود شود، بلکه باید برخوردها و رفتارهایشان را نسبت به اشخاص، مؤسسه‌ها و مکان‌های دیگر نیز اصلاح نمایند، به مردم دیگر احترام بگذارند و به آنها عشق بورزند و روحیه خدمت و آمادگی برای همکاری داشته باشند. (آتشک و دیگران، ۱۳۹۲) شکل‌گرفتن اخلاق در آموزش

عالی، منفعت‌طلبی را کاهش داده و باعث نزدیک شدن به مخاطبان و ذینفعان می‌شود. (رابرتسون و والتر^۱، ۲۰۰۷؛ به‌نقل از آراسته و دیگران، ۱۳۸۹) فراتر از این، اخلاق، از وظایف قانونی و مسئولیت‌های حرفه‌ای مؤسسات گذر کرده و مسائلی را مورد توجه قرار می‌دهد که ضرورتاً نمی‌توان جواب راحتی برای آنها پیدا کرد. (رابرتسون و والتر، ۲۰۰۷؛ به‌نقل از آراسته و دیگران، ۱۳۸۹)

البته باید توجه داشت که تحقق عملی این مقصود یعنی شکل‌گیری واقعی و تمام عیار اخلاق یا به‌عبارت بهتر زندگی اخلاقی در آموزش عالی، به‌سادگی مقدور و میسر نیست. برای مثال، بوذرجمهری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود به مطالعه‌ای اشاره می‌کنند که به بررسی معضلات اخلاقی اساتید در ارزیابی کلاس درس پرداخته و نشان داده است که دستورالعمل‌های صریح برای پرهیز از رفتارهای غیراخلاقی می‌تواند موجب بهبود عملکرد اساتید در ارزیابی کلاس درس شود. با این حال کارتر معتقد است یک سیستم آموزشی تنها می‌تواند مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها را برای معلمان و اساتید تعریف کند اما در حوزه پایبندی اساتید به رعایت اصول اخلاقی و اینکه در شرایط مختلف چه تصمیمی گرفته می‌شود قادر به انجام کاری نیست. اما آنچه مسلم است این است که زندگی اخلاقی نه فقط از تعالیم رسمی و مقررات رفتار حرفه‌ای بلکه از آموزه‌های پنهان و ضمنی در موقعیت‌های مختلف از جمله الگوی کارکنان و رفتار گفتمان کلاس درس شکل می‌گیرد. همچنین، آموزش اخلاق پژوهش به‌عنوان یکی از ابعاد مغفول در برنامه‌های درسی به جهت ارتقای این امر مهم می‌تواند به‌صورت غیرمتمرکز و غیررسمی مورد توجه قرار بگیرد. (امین‌خندقی و پاک‌مهر، ۱۳۹۱)

با توجه به همین اثرات جانبی و غیرمستقیم اما تقریباً پایداری که آموزه‌های آشکار و پنهان دانشگاه می‌تواند بر جای گذارد، بی‌تی (۲۰۰۰) ادعا می‌کند که دانشگاه‌ها، زمینه استراتژیک برای به‌وجود آوردن شهروندان اخلاقی را دارند: افرادی که وارد کالج‌ها و دانشگاه‌ها می‌شوند برای چندسال در دانشگاه هستند و ممکن است دانشگاه مسلط‌ترین اثر را در زندگی آنها داشته باشد. بنابراین، نتیجه می‌گیرد که دانشگاه باید به کاری که زمانی با جدیت زیادی دنبال می‌کرد و آن تربیت اخلاقی دانشجویان بود؛ بازگردد. پیشنهاد وی، یک برنامه جامع تربیت اخلاقی در دانشگاه‌ها است که شامل موارد زیر می‌شود: ارائه واحدهای درسی درباره اخلاق کاربردی در کالج‌ها و مدارس حرفه‌ای، به

بحث گذاشتن قواعد رفتار با دانشجویان و اعضای هیئت علمی، به اجرا گذاشتن قواعد رفتار درست و منطقی، به وجود آوردن برنامه‌های قوی خدمات اجتماعی و به کار گرفتن استانداردهای بالای اخلاقی به هنگام مطرح کردن مسائل اخلاقی پیش روی دانشگاه، ارتباط برقرار کردن با دانشجویان به گونه‌ای که هماهنگ با استانداردهای اخلاقی ابراز شده این نهادها می‌باشد.

در مجموع و با عنایت به مباحث فوق، از آنجا که دانشگاه بستری مناسبی برای بیان اصول و ارزش‌های اخلاقی و به کار بستن آنها می‌باشد، می‌تواند نقش مؤثری در القای اخلاق و رفتار مناسب انسانی بر عهده گیرد. در این راستا و به منظور اعمال کارکردهای اخلاقی آموزش عالی، توجه به اخلاق آموزش، اخلاق پژوهش و اخلاق حرفه‌ای چنان که توضیح داده شد اگر چه ضروری است اما کافی نیست. با نگاهی به تبعاتی که از زوال کارکردهای اخلاقی آموزش عالی تحت تأثیر عوامل و شرایط توصیف شده حادث گردیده است و با توجه به اینکه این پیامدها به صورت تصاعدی و فزاینده جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اتخاذ موضعی نه فقط درون سازمانی بلکه برون سازمانی و جامع‌ایجاب می‌کند که در کنار کارکردهای فوق‌الذکر و البته فراتر از آنها، زندگی اخلاقی در کارگزاران و مخاطبان آموزش عالی شکل گیرد، درونی شود و در اشکال مختلف نمود و تجلی یابد و بر دانشگاه‌ها فرض است که اخلاقیات را به دلیل خوبی خود آنها و به دلیل خوبی انسانیت در کل دوباره کشف کنند و اعتلای انسان و انسانیت به صورت یک کل را به عنوان هدف اصلی خود منظور نمایند.

منابع

۱. آتشک، محمد؛ رضا نوروززاده؛ محمد قهرمانی؛ محمود ابوالقاسمی و مقصود فراستخواه. (۱۳۹۲). واکاوی پیامدها و سازو کارهای جهانی شدن برنامه‌های درسی آموزش عالی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. شماره ۱۱.
۲. آراسته، حمیدرضا؛ عبدالرحیم نوه‌ابراهیم و علیرضا مطلبی‌فرد. (۱۳۸۹). بررسی وضعیت اخلاق آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره ۸ و ۹.
۳. امین خندقی، مقصود و حمیده پاک‌مهر. (۱۳۹۱). آموزش معیارهای اخلاق پژوهش: ضرورتی انکارناپذیر در برنامه‌های درسی آموزش عالی. اخلاق در علوم و فناوری. شماره ۴.
۴. ایمانی‌پور، معصومه. (۱۳۹۱). اصول اخلاق حرفه‌ای در آموزش. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی. دوره پنجم. شماره ۶.
۵. بحرینی، نسرين. (۱۳۸۹). اخلاق پژوهش به منزله یک دانش: جستجو در اضلاع و هویت معرفتی اخلاق پژوهش. فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره ۸ و ۹.
۶. بوذرجمهری، فتح‌اله؛ مهسا منصوریان؛ یاسمن هرنندی و حسین بوذرجمهری. (۱۳۹۲). ارزیابی اخلاق حرفه‌ای اساتید دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد از دیدگاه دانشجویان این دانشگاه. مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی. دوره هشتم. شماره ۳.
۷. تابعی، سید ضیاءالدین و فرزاد محمودیان. (۱۳۸۶). اخلاق در پژوهشگری. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. سال دوم. شماره‌های ۱ و ۲.
۸. خداپرست، امیرحسین؛ آزاده عبداله‌زاده و محمد راسخ. (۱۳۸۶). بررسی انتقادی راهنمای شش‌گانه اخلاق در پژوهش ایران. فصلنامه باروری و ناباروری. دوره ۸ شماره ۴.
۹. رحمان‌سرشت، حسین. (۱۳۸۰). اخلاق؛ نادیده گرفته شده سیاست‌های آتی آموزش عالی. امیراحمد اصفهانی. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۲۰.
۱۰. صفارحیدری، حجت. (۱۳۸۹). زوال کارکردهای اخلاقی دانشگاه در عصر سیطره سرمایه‌داری پیشرفته. فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره ۸ و ۹.
۱۱. صفایی‌مقدم، مسعود. (۱۳۸۹). مطالعه تحلیلی نهضت معنویت‌گرایی و ارائه رویکردی برای آموزش عالی معنویت‌گرا: رویکردی اخلاق بنیان. فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره‌های ۱۲ و ۱۳.
۱۲. عزیززی، نعمت‌اله. (۱۳۸۹). اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی: تأملی بر راهبردهای بهبود استانداردهای اخلاقی در آموزش‌های دانشگاهی. فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره ۸ و ۹.
۱۳. علیزاده اقدم، محمدباقر؛ رضا اسدی‌فرد؛ عسل شیشوانی و مینا تجویدی. (۱۳۹۰). بررسی تعیین‌کننده‌های پایبندی به اخلاق علمی در بین اعضای هیئت علمی مطالعه موردی دانشگاه تبریز. مجله سیاست علم و فناوری. سال سوم. شماره ۴.
۱۴. فتوحی قزوینی، فرانک و زهرا خزاعی. (۱۳۸۷). ارزیابی اخلاقی دانشگاه مجازی. فصلنامه

اخلاق در علوم و فناوری. سال سوم. شماره‌های ۱ و ۲،

۱۵. فراسـتخواه، مقصود. (۱۳۸۵). اخلاق علمی رمز ارتقای آموزش عالی، جایگاه و سازوکارهای اخلاقیات حرفه‌ای علمی در تضمین کیفیت آموزش عالی ایران، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. شماره ۱.

۱۶. فراسـتخواه، مقصود. (۱۳۷۷). آموزش عالی در آستانه قرن بیست‌ویکم (گزارشی از کنفرانس آموزش عالی، ۱۹۹۸). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۱۷.

۱۷. فرمهبینی فراهانی، محسن و لیلا بهنام‌جام. (۱۳۹۱). بررسی میزان رعایت مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای آموزش در اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. سال هفتم. شماره ۱.

۱۸. قدردان قراملکی، محمدحسین. (۱۳۸۹). منشور اخلاقی پژوهش استوار بر ارزش‌های اسلامی. فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره ۸ و ۹.

۱۹. مدهوشی، مهرداد و عیسی نیازی. (۱۳۸۹). بررسی و تبیین جایگاه آموزش عالی ایران در جهان. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران. سال دوم. شماره ۴.

۲۰. مطلبی فرد. علیرضا؛ حمیدرضا آراسته؛ هدیه محبت و مهدی دستا. (۱۳۹۱). اخلاق پژوهش در آموزش عالی: ویژگی‌های فردی و مسئولیت‌های حرفه‌ای پژوهشگران. فصلنامه دانش‌شناسی (علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات). سال پنجم. شماره ۱۹.

۲۱. نعمتی، محمدعلی و هدی‌سادات محسنی. (۱۳۸۹). اخلاق در آموزش عالی؛ مؤلفه‌ها، الزامات و راهبردها. پژوهشنامه. شماره ۶۳.

۲۲. نوروززاده، رضا؛ عبدالله افشار و ندا رضایی. (۱۳۸۹). اخلاق علمی در فرآیند پژوهش (بایدها و نبایدها). پژوهشنامه. شماره ۶۳.

23. Artino, A. R. & S. W. Brown. (2009). Ethics in Educational Research: a Comparative Analysis of Graduate Students and Faculty Beliefs. *College Student Journal*. 43(2).
24. Beaty, M. (2000). *Paideia: Moral Education in the University*. Moral Phycology Baylor University.
25. Coreste, A. D. (2003). The Critical of Higher Education in Creating a Sustainable Future. *Planning for Higher Education*. March & May.
26. Dalton, J. C. & C. P. Crosby. (2010). How We Teach Character in College: a Retrospective on Some Recent Higher Education Initiatives That Promote Moral and Civic Learning. *Journal of College & Character*. Vol. 11. No. 2
27. Duderstadt, J. J. (1999). The Future of Higher Education New Roles for the 21st-Century University. *Issues in Science and Technology Online*.
28. Jarvis, P. (2009). Ethics, Values and Higher Education: The Power of Globalization, Philpapers. *Philosophical Research Online*.
29. Kiss, E. & P. Euban. (2010). *Debating Moral Education: Rethinking the Role of the Modern University*. Durham and London. Duke University Press.